

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ مارچ ۲۰۲۳

"خلیلزاد"، "لارنس امریکائی"!

دوشنبه - ۰۷ حمل ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به بخش هائی از عملکرد "زلمی خلیلزاد" نخست نماینده خاص "کاخ سفید" در امور افغانستان و بعد ها با چندین درجه تنزیل رتبه، نماینده وزارت خارجه امپریالیسم امریکا در امر تأمین صلح در افغانستان و تشابه این عملکرد با یکی از جواسیس شناخته شده دنیای سیاست و استخبارات، "توماس ادوارد لارنس" معروف به "لارنس عرب" جلب می نمایم.

Thomas Edward Lawrence که در ۱۶ اگست ۱۸۸۸ در "تريمادوگ" بریتانیای کبیر در یک خانواده اشرفی متولد و در ۱۹ ماه می ۱۹۳۵ در "بوینگتون" بریتانیای کبیر وفات نموده، تا جایی که از مطالعه متون تاریخ بر می آید یکی از معروفترین، فعالترین و کارسازترین جواسیس اداره انگلیس بود که علی رغم جوانی، بالاترین نقش ویران کننده را در تخریب امپراتوری عثمانی و قطعه قطعه ساختن آن امپراتوری ظاهراً زیر نام حمایت از جنبش های آزادیخواهانه اعراب شمال افریقا و خاورمیانه علیه ترکان عثمانی ایفاء نمود. از همین بابت ضمن ده ها فلم و سریال و نمایشنامه و داستان که در مورد عملکرد وی نگاشته و تهیه شده، سالهای فعالیت وی به خصوص بین ۱۹۱۴ الی ۱۹۳۰ را در دنیای استخباراتی و جاسوسی به نام وی قید نموده اند.

وقتی امروز یعنی حدود ۹۰ الی ۱۰۰ سال بعد از اوج فعالیتهای "لارنس" به فعالیتهای استخباراتی منطقه نظر می اندازیم دیده می شود که این بار "تاج افتخار" که بهتر است آن را "قلاده ننگ و لعنت" نامید، بر سر و گردن فردی به نام "زلمی خلیلزاد" گذاشته شده است.

نامبرده که با تأسف متولد افغانستان است و از پول مالیات مردم فقیر و نادار و گرسنه افغانستان خرج تعلیم و تحصیلش داده شده است، هرچند فعالیت های استخباراتی اش را در پیوند با "سیا" از ربع چهارم قرن ۲۰ آغاز نموده است، مگر اوج فعالیتهای ویرانگرش در منطقه و افغانستان از ابتدای قرن ۲۱ با گرداندگی "کنفرانس بن" و افغانستان را در زیر چکمه های آهنین ناتو قربانی کردن آغاز و تا اکنون به اشکال مختلف در تمام منطقه از جمله افغانستان، ایران، پاکستان، عراق و سوریه محسوس و مشخص بوده است. از همین رو من به خود حق دادم تا وی را به "لارنس امریکائی" مسما ساخته به بقیه نویسندگان و مردمی که در دنیای سیاست گام می گذارند و ضرباتی را از ناحیه فعالیتهای استخباراتی جواسیس متحمل می گردند، نیز پیشنهاد می نمایم تا من بعد وی را به همین نام یاد نمایند.

این جاسوس بی آزر و جنایتکار قسی القلب که بعد از فرار مفتضحانه مگر سازمانیافته با دارانش و افتادن طشت رسوائی حاکمیت دست نشانده و پوشالی محصول معاهده ننگیک دیورند جدید یعنی "کنفرانس بن" در ختم سال ۲۰۰۱ از بام جهان، مدتی خفقان گرفته بود و سروصدائی از وی شنیده نمی شد، در این اواخر مجدداً فعال شده، ضمن دفاع قاطعانه و زیرکانه از ولینعمتش "سیا" و نوکر زر خریدش "طالب"، یک روز از پاچه رژیم ولایت فقیه می گیرد، روز دیگر از پاچه عراق و فردای آن از پاچه پاکستان و با تمام قدرت تلاش می ورزد تا با هر کلمه و هر جمله از منافع و سیاست های ضد بشری امپریالیسم امریکا و گماشته جنایتکار آن طالب، دفاع نماید.

یکی از بارزترین نمونه های این حمایت جنایتکارانه، ابراز نظر مثبت در باره جنایاتیست که طالب و نظام ملاسالار بی پروا و برخوردار از حمایت باداران به خصوص امپریالیسم امریکا با دهشت تمام زیر نام مبارزه علیه داعش انجام می دهد.

در تمام این مدت همه شاهد بوده ایم که طالب در تمام ولایات افغانستان به نوبت، دشمنان بالقوه اش را با خنجر کین سر بریده است. آنها هیچ زمانی به جز زنان آزاده هموطن ما، یک مخالف دیگر را دستگیر نکرده اند. از هر فرد، قوم و خاندانی که خوششان نیامده و یا از بابت آنها احساس خطر کرده اند، بر آنجا حمله نموده تمام باشندگان یک خانه را به قتل رسانده اند و برای تبریئه خویش نام مقتولان را داعش گذاشته اند. هیچ زمان به این سؤال پاسخ نگفته اند که اگر آنها داعشی بودند و آنهمه سلاح، مهمات و مواد منفجره داشتند چرا بدون استفاده از آنها کشته شدند، یکی از نمونه های حی و حاضر چنین جنایتی منفجر ساختن یک خانه با کار گذاشتن "بمب بیلری" در زیر دیوار خانه همین دو روز قبل در "افشار نانکچی"، موسوم به "افشار سیلو" بود که به مطبوعات هیچ نوع اجازه تبصره و ارائه معلومات از جانب طالب داده نشد و نمایندگان رسانه هائی را که خود را در محل رسانیده بودند، برای چندین ساعت در بند انداخت تا همه خط بدهند که هیچ خبری در مورد پخش ننمایند.

در چنین شرایطی که از یک سو کاسه صبر مردم از ترور و دهشت نظام ملاسالار لبریز شده است و از جانب دیگر، حامیان طالب نیز بیش از این نمی توانند بر این جنایت پرده افکنند، باز "لارنس امریکائی" وارد میدان شده، جنایت امروز طالب را در مزار که به قتل عام بدون بازداشت و محاکمه چند هموطن ما منجر شد، زیر نام تطبیق "موافقتنامه دوحه" و "مبارزه علیه داعش" رسماً مورد تأیید قرار داده و از طالب می خواهد تا هر چه بیشتر خون جاری نماید.

هموطنان گرامی! این که نظام ملاسالار تلاش می ورزد تا آخرین بقایای یک حاکمیت مدرن یعنی جدائی قوه قضائیه از قوه مجریه را از طریق صدور فرمان هائی از آدرس "امیر غایب" شان از بین برده و هر دو را در یک واحد "انفاذ شریعت توسط قاضی شرع" مختلط سازد، نباید بدان معنا تلقی شود که ما باشندگان این سرزمین از تمام حقوق خود به نفع اجرای آن فرامین گذشته ایم. این را باید همه بدانیم و برای تحقق آن مبارزه نمائیم که هیچ کسی حق ندارد یک باشنده کشور را به محض وارد ساختن یک اتهام سر ببرد. این را باید بدانیم که هر باشنده این کشور حق دارد وقتی متهم به انجام جرمی می شود، از خود دفاع نماید، وکیل دفاع داشته باشد و به اساس قوانین نافذه در کشور محاکمه شود. نه این که یک ملاستور صادر نماید و چند اوباش جنایتکار با قتل متهم کار را تمام شده اعلام نمایند. چنین برخوردی جنایت است چه مطابق با موافقتنامه دوحه باشد چه مخالف آن. این را باید بدانیم که این تنها طالب نیست که جنایت می کند، بلکه لارنس امریکائی نیز با تأیید جنایت، شریک جرم طالب و نظام ملاسالار می باشد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!